

چگونگی تحقق وفاق اجتماعی در بوشهر^۱

روح‌الله قاسمی*

E-mail: ghasemi_rohollah@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۱۱

چکیده

این مقاله در پی تبیین پدیده وفاق اجتماعی در بوشهر است. مبانی نظری این تحقیق بر سطح خرد تأکید دارد. یعنی تبلور جامعه‌پذیری در عواملی همچون پایگاه اجتماعی، میزان تحصیلات، میزان تعاملات با سه بخش رسمی (دولتی)، غیررسمی (اقوام و خویشان) و نهادهای مدنی، رسانه‌های جمعی (داخلی و خارجی) و میزان مسافرت افراد (داخلی و خارجی). فرضیه‌های این تحقیق در پی آزمون وفاق اجتماعی با پایگاه اجتماعی، میزان تحصیلات، نوع و میزان تعاملات افراد (با بخش رسمی - غیررسمی - نهادهای مدنی)، میزان مسافرت و استفاده از رسانه‌های جمعی است.

این پژوهش با تعداد نمونه ۲۵۰ نفر در شهر بوشهر انجام گرفت. شیوه نمونه‌گیری که این پژوهش از آن بهره گرفته، خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی منظم است. نتایج پژوهش مبین آن است که شاخص عام‌گرایی بیش از شاخص‌های دیگر قادر است تا وفاق اجتماعی را نشان دهد. تحلیل رگرسیونی، نیز نشان داد که نقش متغیرهایی همچون فعالیت در نهادهای مدنی، تفکر ذهنی، مسافرت به خارج و تحصیلات در تغییرات وفاق اجتماعی کارسازند.

کلیدواژه‌ها: وفاق اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انسجام اجتماعی، بوشهر.

۱. مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد با عنوان «عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی در بوشهر»، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی می‌باشد.

* کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی، مشاور مرکز آموزشی تیزهوشان علامه حلی تهران (وابسته به سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان)، نویسنده مسئول

مقدمه

وفاق اجتماعی، راه‌های نیل به آن، موانع تحقق و پیامدهای آن پیوسته ذهن و فکر اربابان معرفت و اندیشه‌های اجتماعی را به خود مشغول داشته است. عالمان اجتماعی همچون آگوست کنت، امیل دورکیم، زیمل، پارک، پاره‌تو، اسپنسر، پارسونز در مکتوبات خویش به پدیده وفاق اجتماعی توجهاتی قابل ملاحظه داشته‌اند.

در دیدگاه جانسون، کلی‌ترین مؤلفه کنش انسانی و بیان‌کننده حالت نهایی مطلوب، ارزش‌ها هستند که می‌تواند به مثابه راهنمای تلاش بشری به کار آیند. ارزش‌ها، اهداف نیستند ولی می‌تواند اهداف را تعیین کنند. لاجرم موجب ایجاد همبستگی بین افراد می‌شوند. چون که ارزش‌ها توانایی آن را دارند که وقایع را توضیح دهند و محیط خاص یک جامعه را تبیین کنند (آزادارمکی، ۱۳۸۵: ۲۱). در یک جامعه آرمانی، ارزش‌ها برای توجیه همه نوع اختلاف اجتماعی، قادر به تبیین‌اند. در صورت تحقق این امر می‌توان چنین ادعا کرد که جامعه از تعادل و توازن بهرمنند است. پر واضح است که این تعادل و توازن متزع از ارزش‌هایی است که قادر بوده بستر و زمینه انطباق رفتارها را فراهم آورد (شایان‌مهر، ۱۳۷۷: ۱۰۶). ظهور اعتماد و اطمینان، نسبت به نحوه رفتار متعارف، مولود ارزش‌های مشترک است. با تجلی اعتماد و اطمینان افراد ظرفیت آن را دارند که بتوانند کردار و کنش‌هایشان را توسعه بدهند؛ چرا که جامعه زمینه و بستر روابط متقابل متنوع و پیچیده‌ای را ایجاد کرده است که محصول آن فعالیت‌هایی مفیدتر و مولدتر از جوامعی است که به جای وفاق اجتماعی، جبر اساس و پایه حکومت را می‌سازد (پیوزی، ۱۳۷۹: ۴۲).

وفاق اجتماعی در زمان‌های مختلف، شرایط بحران یا در دوره شکوفایی و رشد، قابلیت همکاری شهروندان را افزایش می‌دهد و از این طریق در شکل بخشیدن به عملکردهای مثبت، ایفای نقش می‌کند (افروغ، ۱۳۸۴: ۱۴). در مسیر توسعه، وفاق اجتماعی می‌تواند منجر به افزایش محتوای مشارکت مردم در نهادهای اجتماعی شود و راه را برای اصلاحات اجتماعی در جامعه همواره کند و از احتمال مخاصمات داخلی بکاهد (روان‌بخش، ۱۳۸۶: ۷۳). لذا با توجه به تأثیر وفاق اجتماعی در توسعه جوامع و این‌که وفاق، پایه و اساس هر نوع برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در جامعه محسوب می‌گردد (عباسعلی، ۱۳۸۵: ۱۲) شناختن آن می‌تواند کمک شایانی برای امر توسعه باشد.

بوشهر امروز بیش از هر زمان دیگری برای رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش محتاج و نیازمند وفاق اجتماعی است. در صورتی که ما در بوشهر شاهد طلوع وفاق اجتماعی نباشیم بدون شک رسیدن به اهداف زیربنایی در تمامی حوزه‌ها بعید به نظر می‌رسد. با

ظهور وفاق اجتماعی است که می‌توان انتظار توسعه‌ای همه‌جانبه را داشت. شایسته است و بجا که در مقام تمثیل پدیده وفاق اجتماعی را چونان بنیاد و اساس یک بنا و عمارت در نظر بگیریم که قوام و ثبات بنا بسته به قوام و دوام پایه و بنیاد آن است. با این مقدمات آنچه که اکنون قادر است دیار بوشهر را به توسعه و شکوفایی برساند چیزی نیست الا پدیده وفاق و انسجام اجتماعی.

اما تعریفی که برای این پژوهش مبنا قرار می‌گیرد، وفاق اجتماعی را چنین می‌نگرد که: «توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعامل اجتماعی که خود موجب انرژی عاطفی است بوجود می‌آید، انرژی عاطفی که همزمان نتیجه و موجد (علت و معلول) توافق اجتماعی است» (چلبی، ۱۳۷۳: ۱۷).

این تعریف دارای دو قسمت می‌باشد: بخش اول به معرفی نشانه‌های اشتراک ارزش‌ها می‌پردازد: توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که موجد انرژی عاطفی است. این انرژی عاطفی از طریق یک شاخص ترکیبی متشکل از: عام‌گرایی، اخلاق، خلاقیت و ارزش اکتساب‌سنجیده می‌شود. منظور از ترکیب تأکید بر دو شاخص عام‌گرایی و اخلاق است که جامع‌اندیشه‌های متفاوت است. عام‌گرایی یعنی در یک کنش متقابل قضاوت و ارزیابی دیگران مبتنی بر ملاک‌های مورد توافق است. فرد عام‌گرا درباره شی فیزیکی یا اجتماعی بر مبنای معیارهای عام که قابلیت تعمیم بر مجموعه‌ای از اشیاء را دارند، قضاوت می‌کند. به عبارتی دیگر احساس تعهد خود را به افراد غیر عضو گروه خود بسط می‌دهد و به هویت‌های فردی و تفاوت‌های شخصی و به‌طور کلی به اصول مشترک توجه دارد. اخلاق نیز عبارت است از هرگونه فعالیتی که غیرانتفاعی باشد و مطابق با اصول غیرشخصی و قابل تعمیم باشد. اخلاق به سبب همین عمومیت‌پذیری محور وفاق اجتماعی قرار می‌گیرد (نیک‌پی، ۱۳۸۲: ۲۲). اگر در جامعه اقتدار اخلاقی باشد، فرد تسلیم جامعه می‌شود، زیرا جامعه را موضوع احترام می‌داند. سرچشمه هرگونه فعالیت اخلاقی تبعیت منافع خصوصی از منافع عمومی است که متضمن روحیه فداکاری و ایثار است (چلبی، ۱۳۷۶: ۱۳). از سوی دیگر، برخی معتقدند وفاق اجتماعی در هر اجتماعی با استحکام اخلاقی آن جامعه پیوند دارد (فروند، ۱۳۷۲: ۴۴). بخش دوم تعریف به عواملی که واسطه ورود ارزش‌ها از نظام فرهنگی به نظام اجتماعی هستند، می‌پردازد. یعنی به تعاملات اجتماعی به‌عنوان موجد وفاق اجتماعی اشاره دارد که از طریق فرایند جامعه‌پذیری در سطح خرد و نهادینه‌شدن در سطح کلان قابل بحث است (موسوی، ۱۳۸۴: ۱۱).

سؤال‌های پژوهش

سؤال اصلی

- وفاق اجتماعی در بوشهر به چه میزان است؟

سؤالات فرعی

- بین پایگاه اجتماعی و وفاق اجتماعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- بین نوع و میزان تعاملات اجتماعی و وفاق اجتماعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- بین میزان استفاده از رسانه‌های جمعی و وفاق اجتماعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟
- بین میزان مسافرت و وفاق اجتماعی چه رابطه‌ای وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد که بین پایگاه اجتماعی افراد و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد که بین سطح تحصیلات و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد که بین نوع و میزان تعاملات اجتماعی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد که بین میزان بهره‌مندی از رسانه‌های جمعی و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد که بین میزان مسافرت و وفاق اجتماعی رابطه وجود دارد.

مبانی نظری

انواع وفاق اجتماعی

وفاق خودبه‌خود و غیر آگاهانه

«این وفاق حاصل جداماندگی یک مجموعه انسانی است و در گذشته در آبادی‌های دور افتاده و شهرهای کوچک وجود داشته است.»

وفاق اجتماعی دستوری

در مواردی حکومت‌ها افسانه‌هایی را مبنای ارزش‌ها و باورها قرار می‌دهند و با زنده ساختن آنان کوشش می‌کنند که نوعی پذیرش عمومی بر مبنای آنها فراهم آورند.

وفاق اجتماعی توافقی

این وفاق اجتماعی حاصل و برآیند ارزش‌ها، باورها و هنجارهای زیر مجموعه‌هایی از جامعه است، که همواره تجدید می‌شود.

امروزه وفاق از نوع آگاهانه و توافقی آن مورد نظر است» (مجموعه مقالات، ۱۳۸۱: ۱۹۷) (هاشمی، ۱۳۸۵: ۱۵).

در دیدگاه هورتون، وفاق اجتماعی از نوع توافقی یا تدبیری یک موضوع جدید می‌باشد که مستلزم گونه‌ای خاص از نظم در آن می‌باشد و قابل ذکر است که در این نوع توافق اظهار نظرات و دیدگاه‌ها رسماً آزاد است ... و باید بدانیم که آنچه در این نوع وفاق واجب و مبرم به نظر می‌آید وجود فن ارتباطات پیچیده و همچنین محتاج انتقال پیام‌ها به گونه‌ای همزمان به اکثریت افراد جامعه می‌باشد (هورتون، ۱۹۹۱: ۵۱۶).
«از جمله متفکران صاحب‌نام که به این نوع وفاق باور دارند، یورگن هابرماس است، که ایشان خود از دو نوع وفاق اجتماعی یاد می‌کند: ۱- وفاق هنجاری ۲- وفاق تفاهمی» (صیدایی، ۱۳۸۱: ۲۲).

نوع‌شناسی وفاق اجتماعی از منظر هابرماس

۱- وفاق تفاهمی، ۲- وفاق هنجاری

وفاق تفاهمی یا وفاق تدبیر شده مخصوص جامعه‌ای است که برخوردار از کنش معتبر، آزادی بیان و برخوردار از ارتباطات پیچیده است؛ زیرا چنین وفاقی مستلزم انتقال پیام به‌طور همزمان به اکثریت جامعه است (بیات، ۱۳۷۳: ۵).
نوع هنجاری خود بر دو گونه است:

۱- خودبه‌خود مبتنی بر سنت ۲- وفاق نوظهور که نتیجه آراء و اندیشه‌های متفاوت از آن چیزی است که تاکنون مرسوم بوده است، حکومت اکثریت نیز به آن می‌گویند (دولت، مردم و همگرایی، ۱۳۸۱: ۱۹۷).

متغیر متبیین در این پژوهش وفاق اجتماعی است و متغیرهای تأثیرگذار و مستقل در ابتدا پایگاه اجتماعی می‌باشد (درآمد، میزان تحصیلات، نوع و مرتبه شغلی) که مهم‌ترین شاخص آن میزان تحصیلات است.

«دسترسى به فرصت‌های آموزش رسمی امکان جهش در سوگیری‌های ارزشی را برای شخص فراهم می‌آورد. لازم است که گفته شود در نظام خانواده انگاره‌های ارزشی اغلب خاص‌گرا، عاطفی و انتشاری است درحالی‌که در سازمان رسمی نظام آموزش انگاره‌های ارزشی بیشتر عام‌گرا، خنثی و ویژه است. کسب اطلاعات، دانش و مهارت و شناخت بیشتر از طریق آموزش رسمی به شخص کمک می‌نماید که افق هنجاری و نمادی خود را تعمیم بخشد و با تنسيق نمادی محیط و محاسبه دقیق‌تر، اهداف خود را در چارچوب

کلی جامعه به صورت شفاف‌تر تدوین نماید. افزون بر این آموزش رسمی یکپارچه احساس عضویت در اجتماع جامعه‌ای را در فرد تلقین می‌کند و به او اجازه می‌دهد تا احساس تعلق و تعهد خود را نسبت به آن تعمیم و تقویت نماید. با ایجاد و تقویت این احساس عضویت و تعلق است که شخص احساس تعهد عمومی به جامعه کل را کسب می‌نماید.

متغیر دیگر، نوع و میزان تعاملات اجتماعی است که در این پژوهش به سه حوزه و بخش تقسیم می‌شود؛ تعامل با بخش غیررسمی (اقوام و خویشان و...)، با نهادهای مدنی و بخش رسمی را شامل می‌شود. در باب تعامل با بخش غیررسمی که مراد از آن میزان مراد با اقوام و خویشان و... است باید گفت که، هرچه افراد میزان روابط و تعاملات خود را فقط با اقوام و خویشان خود توسعه ببخشند، زمینه خاص‌گرایی را مهیا می‌سازند که خاص‌گرایی خود مانعی بر سر راه تعمیم ارزشی در سطح نظام فرهنگی است. هم‌چنین خاص‌گرایی در سطح نظام شخصیتی مانعی است بر سر راه تعریض افق نمادی و هنجاری کنشگران. عدم تعریض افق نمادی نیز می‌تواند موجب بکارگیری گسترده اصول فرهنگی در میدان‌های تعاملی جامعه گردد. عدم بکارگیری اصول فرهنگی در عمل موجب تضعیف آنها می‌گردد. خاص‌گرایی عملاً رتبه ارزشی یا سلسله مراتب اصول فرهنگی در سطح جامعه را مخدوش می‌سازد و در عمل اصول خاص خرده‌فرهنگ‌ها در مقابل اصول عام فرهنگی عمده می‌شود. اگر افراد صرفاً پهنه تعاملات خود را با اقوام و خویشان و یا به عبارتی درون‌گروهی محدود نکنند عام‌گرایی را مزده می‌دهد. عام‌گرایی، میزان قداست و برتری اصول و ارزش‌های عام، شامل اصول و ارزش‌های مشترک و عام انسانی، مذهبی و ملی نسبت به اصول و ارزش‌های خاص خرده‌فرهنگ‌های درون جامعه است. قداست و برتری اصول عام و مشترک نسبت به اصول خاص باعث تقویت وحدت نمادی و مفاهمه فرهنگی در سطح جامعه می‌شود. به‌علاوه این برتری کمک می‌نماید تا احساس تعلق به اجتماع جامعه‌ای تقویت شود و به این ترتیب هویت جامعه‌ای در رأس سایر هویت‌های جمعی قرار گیرد. در این صورت تعهد عمومی اعضای جامعه، هم‌زمان تقویت می‌شود و هم تعمیم می‌پذیرد. این نیز به نوبه خود، باعث افزایش اعتماد دو جانبه تعمیم یافته در جامعه می‌شود. بدیهی است اعتماد دو جانبه تعمیم یافته می‌تواند تأثیر علی متقابل روی تعهد عمومی داشته باشد. درخصوص تعامل با نهادهای مدنی باید اذعان کرد که منظور از این عنوان امکان شکل‌گروهی به‌صورت داوطلبانه و عضویت داوطلبانه در گروه به‌منظور شرکت در قالب‌های فرهنگی مختلف است. انجمن‌های داوطلبانه انواع گوناگونی را شامل

می‌شوند و قادرند در ابعاد چهارگانه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کارکرد داشته باشد. عضویت در انجمن‌های داوطلبانه آزادانه انجام می‌شود. چون انجمن‌های داوطلبانه یک سازمان غیرانتفاعی است و عضویت در آنها نه تنها حاوی نوعی مستمری و حقوق مادی نیست بلکه پرداخت مبلغی به‌عنوان حق عضویت معمولاً یکی از شرایط عمومی عضویت در این نوع گروه‌ها است. در این نوع انجمن‌ها روابط متقارن گرم کم و بیش حاکم‌اند و شیوه تنظیم آنها عمدتاً بر مجاب‌سازی و تعهد استوار است و نه بر اساس اجبار میزان تعامل با بخش رسمی (دولتی) نیز بر وفاق اجتماعی تأثیرگذار است» (بیات، ۱۳۷۳: ۳۳؛ حسین‌زاده، ۱۳۷۳: ۴۴؛ صیدایی، ۱۳۸۱: ۲۲).

اما در باب رسانه‌های جمعی باید گفت که به اعتقاد لنسکی رسانه‌های جمعی در جامعه‌پذیری مؤثر هستند. رسانه‌ها در عین این‌که خبردهنده و سرگرم‌کننده‌اند، آرا و افکار ما را در مورد دنیای پیرامون خود و چپستی آن، باورهای ما در باب درست یا نادرست یا خوب و بد را شکل می‌دهند. این فرآیندها، نه تنها از طریق گزارش‌های سیاسی و تفسیر نمایش گونه رویدادهای تاریخی، بلکه از طریق برنامه‌های تفریحی نیز اعمال می‌شوند (لنسکی، ۱۳۷۵: ۴۹۲).

پژوهشگران برای رسانه‌ها (مطبوعات و رادیو و تلویزیون) در جوامع معاصر وظایف گوناگونی را تصور می‌کنند:

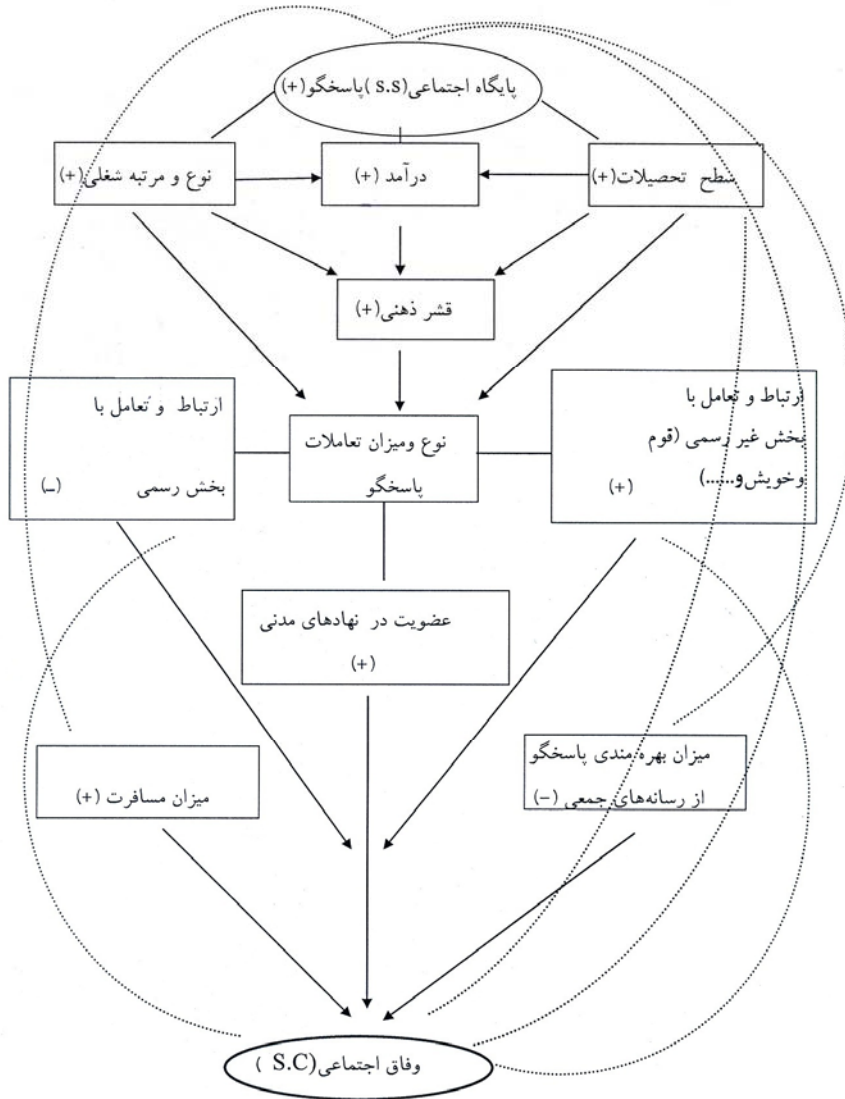
اول: وظایف ارتباط فکری

۱- اطلاع و آگاهی، ۲- پرورش، شامل: الف) پرورش اندیشه‌ها و احساسات، ب) پرورش عقاید. ج) پرورش حرفه‌ای. ۳- بیان، شامل: الف) معرفی فرهنگ و تمدن. ب) تشریح ایدئولوژی‌های جاری. ج) استدلال ۴- اجبار، شامل: تبلیغ تجاری و تبلیغ سیاسی.

دوم: وظایف روانی - اجتماعی

۱- همبستگی اجتماعی، ۲- سرگرمی، ۳- درمان روانی (معمدنژاد، ۱۳۷۱: ۲۹).
نقش و جایگاه میزان مسافرت در تبیین وفاق را نباید نادیده گرفت: امکان سیاحتی به فرد مجال می‌دهد تا تحرک فیزیکی خود را افزایش دهد و از این طریق با محیط‌های اثباتی، فرهنگی، اجتماعی در عرض جامعه آشنا شود. این خود احتمال تعریض افق هنجاری و بسط عام‌گرایی را افزایش می‌دهد (چلبی، ۱۳۷۵: ۸۵) (عظیمی، ۱۳۷۵: ۲۴).

شکل ۱: مدل مفهومی



روش‌شناسی پژوهش تکنیک گردآوری اطلاعات

ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه می‌باشد. برای تهیه پرسشنامه تحقیق، شاخص‌های مربوط به هر کدام از متغیرهای تحقیق استخراج و برای سنجیدن هر شاخص از طیف لیکرت استفاده گردید. لازم به ذکر است که در این مطالعه، برای به دست آوردن اعتبار پرسشنامه، از اعتبار سازه‌ای استفاده شد، ضمن این‌که از متخصصان و اساتید صاحب‌نظر نیز کسب اطلاع و اعتبار گردید. گویه‌های پرسشنامه نهایی حاصل پیش‌آزمون پرسشنامه‌ای با ۱۲۰ سؤال است. اکثر گویه‌ها در بیش از یک کار تحقیقی مورد آزمون قرار گرفته بودند. با وجود این، با ترکیب جدید مراحل همسازی درونی، تحلیل سنج و هم‌چنین تحلیل عاملی مجدداً اعمال شد و مناسب‌ترین گویه‌ها انتخاب شدند. در ضمن مقدار آلفای کرونباخ ۰/۷۶ به دست آمد.

سال انجام تحقیق

این پژوهش در سال ۱۳۹۱ انجام گرفته است.

جامعه آماری و حجم نمونه

این تحقیق با روش پیمایشی در سال ۹۱ در شهر بوشهر به اجرا درآمد. با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۵۰ نمونه (تعداد جامعه آماری: ۱۶۱۶۷۴) که شامل یکی از سرپرستان خانوار می‌شد، به دست آمد. نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی سیستماتیک انجام شد.

یافته‌های پژوهش متغیر وابسته (وفاق اجتماعی)

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان وفاق اجتماعی

میزان وفاق اجتماعی	تعداد	درصد
کم	۳۲	۱۲/۸
متوسط	۱۵۲	۶۰/۸
زیاد	۶۸	۲۷/۲
کل	۲۵۰	۱۰۰

توزیع فراوانی نشان می‌دهد که بیشترین درصد وفاق به گروه متوسط که ۶۰/۸ درصد می‌باشد و پس از آن گروه زیاد ۲۷/۲ درصد و گروه کم ۱۲/۸ کمترین درصد را به خود اختصاص داده است. با این تفاسیر نمونه مورد مطالعه به لحاظ میزان وفاق اجتماعی در سطحی متوسط به بالا قابل ارزیابی است، که این نتیجه با توجه به متغیرهایی همچون، میزان تحصیلات، مهاجریپذیر بودن منطقه به دلایل اقتصادی - تجاری و هم‌چنین ارتباط تنگاتنگ با کشورهای حوزه خلیج فارس چندان بعید به نظر نمی‌رسد. البته شایان ذکر است که نتیجه طرح ملی پیمایش ارزش‌ها و نگرش ایرانیان (در بوشهر) نیز مؤید یافته فوق است.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی پاسخگویان براساس متغیرهای مستقل

توزیع داده‌ها		متغیرها	
زن ۴۵/۵ درصد		مرد ۵۴/۵ درصد	
جنسیت			
میانگین ۴۳ سال		حداقل ۲۱ سال	حداکثر ۷۵ سال
سن			
تحصیلات دانشگاهی ۱۳ درصد		متوسطه ۶۲ درصد	ابتدایی ۲۵ درصد
تحصیلات			
بالا ۱۴/۲ درصد		متوسط ۵۳/۷ درصد	پایین ۳۲/۱ درصد
پایگاه اجتماعی			
بالا ۱۲ درصد		متوسط ۶۵/۵ درصد	پایین ۲۲/۵ درصد
تفکر ذهنی			
کم ۲۵/۵ درصد	متوسط ۵۰/۲ درصد	زیاد ۲۴/۳ درصد	بخش غیررسمی
نوع و میزان تعاملات			
کم ۴۸/۴ درصد	متوسط ۴۴/۱ درصد	زیاد ۷/۸ درصد	بخش رسمی
کم ۴۵/۷ درصد	متوسط ۳۶/۱ درصد	زیاد ۲۴/۲ درصد	نهادهای مدنی
کم ۴۱/۶ درصد	متوسط ۴۳ درصد	زیاد ۱۵/۴ درصد	رادپو داخلی
کم ۵۱/۲ درصد	متوسط ۴۰/۳ درصد	زیاد ۸/۵ درصد	رادپو خارجی
کم ۲۹/۹ درصد	متوسط ۴۲/۶ درصد	زیاد ۲۷/۹ درصد	تلویزیون داخلی
کم ۴۹ درصد	متوسط ۳۵/۳ درصد	زیاد ۱۵/۷ درصد	تلویزیون خارجی
کم ۳۵/۳ درصد	متوسط ۴۶/۹ درصد	زیاد ۱۷/۸ درصد	مطبوعات داخلی
کم ۶۹/۸ درصد	متوسط ۲۵/۲ درصد	زیاد ۵ درصد	مطبوعات خارجی
کم ۲۱/۶ درصد	متوسط ۴۵/۴ درصد	زیاد ۳۳ درصد	مسافرت داخلی
کم ۳۹/۵ درصد	متوسط ۳۳ درصد	زیاد ۲۷/۵ درصد	مسافرت خارجی
مسافرت			

آزمون فرضیه‌ها

جدول شماره ۳: آزمون فرضیه‌ها و تحلیل چند متغیری

نوع آزمون جداول نوافقی	سطح معنی داری r	با وفاق همبستگی	عوامل مؤثر
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۱۰	پایگاه اجتماعی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۱۵	تفکر ذهنی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۱۸	تحصیلات
تاو b کندال	۰/۹۵	۰/۰۶	تعامل با بخش غیررسمی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۲۱	فعالیت در N.G.O
تاو b کندال	۰/۹۲	۰/۰۰۴	تعامل با بخش رسمی
تاو b کندال	۰/۹۵	۰/۰۰۵	رادیو داخلی
تاو b کندال	۰/۹۵	۰/۰۰۹	رادیو خارجی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۰۱	تلویزیون داخلی
تاو b کندال	۰/۹۵	۰/۰۰۷	تلویزیون خارجی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۰۸	مطبوعات داخلی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۰۹	مطبوعات خارجی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۱۷	مسافرت داخلی
تاو b کندال	۰/۹۹	۰/۲۱	مسافرت خارجی

این پژوهش به بحث در باب عوامل مؤثر بر وفاق اجتماعی پرداخته است. لذا به اقامه فرضیاتی پرداخته است که نتایج آنها را به شرح ذیل تحلیل می‌شود:

اول، رابطه پایگاه اجتماعی و وفاق اجتماعی: با عنایت به چارچوب نظری، افرادی که در پایگاه اجتماعی بالاتری قرار گرفته‌اند، رفتار آنان بیشتر با وفاق اجتماعی قرین و توأم است. تحلیل رگرسیونی نشان داد که تفکر ذهنی نسبت به تفکر عینی از تعیین‌کنندگی بیشتری برخوردار است. لذا هر چه از شکاف طبقاتی در جامعه کاسته شود و از طرف دیگر رفاه اجتماعی در کنار افزایش قدر و مرتبه‌ای که افراد برای خود قائل هستند روبه فزونی رود می‌توان امید بیشتری به تبلور و ظهور وفاق اجتماعی در جامعه داشت.

دوم، نقش و جایگاه تحصیلات و نظام آموزش رسمی: همان‌طور که در سطور پیشین ذکر آن رفت رابطه بین وفاق اجتماعی و تحصیلات بواسطه آزمون تاو B کندال تأیید شد. بنابراین، نقشی که آموزش رسمی در یک جامعه ایفا می‌کند آن است که پدیده‌هایی همچون تمایلات شخصیتی عام را به ارمغان می‌آورد، نهادینه کردن قابلیت‌ها و نگرش‌های اخلاقی که آرمان‌ها و ارزش‌های دنیوی را تقویت می‌کند، تفاهم و همدلی و قابلیت پذیرش تغییر و آگاهی از استعدادهای افراد را می‌پروراند.

سوم، نوع و میزان تعاملات اجتماعی: باید ابتدا به میزان تعاملات با سه بخش رسمی، غیررسمی و نهادهای مدنی اشاره کنیم.

رابطه وفاق اجتماعی و میزان تعاملات با بخش غیررسمی (اقوام و خویشان و...) بواسطه آزمون تاو B کندال تأیید شد. همان‌طور که در مبانی نظری مشخص شد، تعدد و تکرار تعامل با اقوام و خویشان به دلیل آن‌که زمینه روابط درون‌گروهی را تقویت می‌کند لذا افراد را به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی به طرف خاص‌گرایی سوق می‌دهد. بنابراین، انتظار می‌رفت که رابطه بین وفاق و میزان تعامل با بخش غیررسمی منفی باشد یعنی هر چه افراد به میزان بیشتری با اقوام، خویشان و... تعامل داشته باشند، میزان وفاق اجتماعی آنان رو به کاستی رود. اما در آزمون فرض این قضیه اثبات نشد و رابطه وفاق اجتماعی و تعامل با بخش غیررسمی مثبت بود هر چند که میزان همبستگی ناچیز بود. رابطه وفاق اجتماعی و میزان تعاملات با بخش رسمی (دولتی) بواسطه آزمون‌های آماری در این پژوهش مورد تأیید واقع نشد. رابطه وفاق اجتماعی و میزان تعاملات با نهادهای مدنی بواسطه آزمون تاو B کندال تأیید شد. از آنجا که نهادهای مدنی حلقه واسطی میان بخش رسمی و بخش غیررسمی هستند، لذا قدرت تنوع بخشیدن به تعاملات اجتماعی را دارند، به‌ویژه تعاملات برون‌گروهی که به رواج اخلاق عملی منجر می‌شوند و نهایتاً پدیده وفاق اجتماعی را غنی‌تر می‌کنند.

چهارم، استفاده از رسانه‌های جمعی و تأثیر آن بر وفاق: باید گفت همان‌طور که در حوزه نظر گفته شد یکی از کارکردهای رسانه ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی است. با این وصف همان‌طور که در جدول فوق مشخص شد نقش رسانه‌های نوشتاری در تقویت وفاق به مراتب بیش از دیگر رسانه‌ها است. پر واضح است که رادیو و تلویزیون به وسیله سرمایه مادی این جامعه اداره می‌شوند، لذا در زمینه تأمین برنامه‌ها باید به صورت مداوم مورد بازنگری قرار گیرد. این تغییر لازم است در جهتی انجام گیرد که بتواند کارکرد فعلی این دو رسانه را بهبود بخشد. بنابراین، مطالعات

گسترده‌تری در این حوزه باید توسط پژوهشگران انجام گیرد. پس، می‌توان این چنین نتیجه‌گیری کرد که: مطبوعات هم که یکی از رسانه‌های جمعی است (داخلی و خارجی) تأثیری متفاوت از دیگر رسانه‌ها بر میزان وفاق بر جا می‌گذارد چرا که مطبوعات یک رسانه نوشتاری است و باعث تقویت وفاق اجتماعی می‌شود. افراد بر وفق میل و اراده و نیاز خود، متن و مطلب مورد مطالعه را انتخاب می‌کنند، لذا بیشتر می‌تواند با آن همدلی کند و نهایتاً با میل بیشتری پیام مندرج در آن را نهادینه می‌کنند. خود مطبوعات به دلیل پهنه وسیعی که دارند، بیشتر آشنایی افراد با فرهنگ‌ها و گروه‌های متنوع را ایجاد می‌کند که این خود از مقدمات و مقومات افزایش و تقویت وفاق اجتماعی است.

پنجم، رابطه وفاق اجتماعی و میزان مسافرت‌ها اعم از داخلی و خارجی در این پژوهش بوسیله آزمون تاو b کندال مقبول واقع شد و چنین نتیجه‌گیری شد که هرچه میزان مسافرت افراد (داخل و خارج) افزایش یابد، بر میزان وفاق اجتماعی نیز افزوده می‌شود. و این بدین دلیل است که میزان مسافرت‌ها (داخلی و خارجی) به سبب فراهم نمودن زمینه برخورد‌های برون‌گروهی می‌تواند عامل تقویت تعهد و علقه اجتماعی شود که از بایسته‌های وفاق اجتماعی است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی آن بود تا عواملی را که در تبیین وفاق اجتماعی کار سازند معرفی کند. بنابراین، با توسل به دیدگاه‌های نظری این حوزه، مدل مفهومی پژوهش ترسیم شد. پر واضح است که نقش و جایگاه دیدگاه‌های نظری در مسئله‌یابی و فرموله‌کردن پدیده‌های بومی بسیار مؤثر است. آنچه که به این ایده قوت می‌بخشد آن است که دیدگاه‌های موجود می‌بایست در رابطه با پدیده‌های بومی مورد آزمون قرار گیرند تا در نهایت مسائل و دیدگاه‌ها بومی شوند. بنابراین، امروزه محافل آکادمیک جامعه ما اگر قصد مشارکت علمی و پیمودن راه توسعه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی را در سر دارند، می‌بایست دیدگاه‌ها و رویکردهای موجود را بومی و با فرهنگ جامعه خود نقد و بررسی کنند، تا از این میان راه به جایی ببرند.

آنچه را که این پژوهش در نظر دارد این است که با آنچه از تجربه (بررسی جامعه نمونه) بدست می‌آورد به کارگاه ذهن برده و در آنجا به کشف روابط و تعمیم آنها بپردازد. با این تفاسیر، متغیری که در این پژوهش بیان می‌شود وفاق اجتماعی است و متغیرهای

تأثیرگذار و مستقلی که از مبانی نظری متنوع و به عاریت گرفته شده پایگاه اجتماعی است، که از سه شاخص متشکل شده، درآمد، شغل و تحصیلات. از این سه شاخص آنچه که تأثیر شایانی بر وفاق دارد میزان تحصیلات یا نقش نظام آموزش رسمی است. در سازمان رسمی نظام آموزش انگاره‌های ارزشی عمدتاً عام‌گرا و ویژه است. کسب اطلاعات، دانش و مهارت و شناخت بیشتر از طریق آموزش رسمی به شخص کمک می‌نماید که افق هنجاری و نمادی خود را تعمیم بخشد و با تنسيق نمادی محیط و محاسبه دقیق‌تر، اهداف خود را در چارچوب کلی جامعه به صورت شفاف‌تر تدوین نماید. افزون بر این آموزش رسمی یکپارچه احساس عضویت در اجتماع جامعه‌ای را در فرد تقویت می‌کند و به او اجازه می‌دهد تا احساس تعلق و تعهد خود را نسبت به آن تعمیم و تقویت نماید. با ایجاد و تقویت این احساس عضویت و تعلق است که شخص احساس تعهد عمومی را به جامعه کل کسب می‌نماید.

اما نقش نوع و میزان تعاملات اجتماعی در این پژوهش به سه حوزه و بخش منقسم می‌شود و تعامل با بخش غیررسمی (اقوام، خویشان و...) با نهادهای مدنی و بخش رسمی را شامل می‌شود. در باب تعامل با بخش غیررسمی که مراد از آن میزان مرادوده با اقوام، خویشان و... است باید گفت که به لحاظ نظری هرچه که افراد میزان روابط و تعاملات خود را فقط با اقوام، خویشان خود توسعه ببخشند زمینه خاص‌گرایی را مهیا می‌سازند، که خاص‌گرایی خود مانعی بر سر راه تعمیم ارزشی در سطح نظام فرهنگی است. هم‌چنین خاص‌گرایی در سطح نظام شخصیتی مانعی است بر سر راه تعریض افق نمادی و هنجاری کنشگران. عدم تعریض افق نمادی نیز می‌تواند موجب به کارگیری گسترده اصول فرهنگی در میدان‌های تعاملی جامعه گردد. عدم به کارگیری اصول فرهنگی در عمل موجب تضعیف آنها می‌گردد. خاص‌گرایی عملاً رتبه ارزشی یا سلسله مراتب اصول فرهنگی در سطح جامعه را مخدوش می‌سازد و در عمل اصول خاص خرده‌فرهنگ‌ها در مقابل اصول عام فرهنگی عمده می‌شود و اگر افراد صرفاً پهنه تعاملات خود را به اقوام، خویشان و یا به عبارتی به روابط درون گروهی محدود نکنند عام‌گرایی را مزده می‌دهد. قداست و برتری اصول عام و مشترک نسبت به اصول خاص باعث تقویت وحدت نمادی و مفاهیم فرهنگی در سطح جامعه می‌شود. به علاوه این برتری کمک می‌نماید تا احساس تعلق به اجتماع جامعه‌ای تقویت شود و به این ترتیب هویت جامعه‌ای در رأس سایر هویت‌های جمعی قرار گیرد. در این صورت، تعهد عمومی اعضای جامعه، همزمان تقویت می‌شود و هم تعمیم می‌پذیرد. این نیز به نوبه

خود، باعث افزایش اعتماد دو جانبه تعمیم یافته در جامعه می‌شود. بدیهی است اعتماد دو جانبه تعمیم یافته می‌تواند تاثیر علی متقابل روی تعهد عمومی داشته باشد. اما آنچه در حوزه عمل رخ داد با حوزه نظر متفاوت است به نحوی که می‌توان گفت رابطه تعامل با بخش غیررسمی و وفاق اجتماعی دارای همبستگی مثبت هرچند ناچیز می‌باشد. راجع به نقش رسانه‌های جمعی در تبیین وفاق اجتماعی همان‌طور که گفته شد نقش مطبوعات با رادیو و تلویزیون متفاوت است به نحوی که می‌توان گفت مطبوعات در ارتقاء میزان وفاق اجتماعی نقش مثبت‌تری را ایفا می‌کنند. در تحلیل این گفته‌ها باید گفت که مطبوعات برعکس این دو است یعنی در مطبوعات به خاطر آزادی در انتخاب مطالب فرد بهتر می‌تواند پیام‌های آنها را درونی کند (دادگران، ۱۳۷۷: ۶۸).

نقش و جایگاه میزان مسافرت در تبیین وفاق را نباید نادیده گرفت: امکان سیاحتی به فرد مجال می‌دهد تا تحرک فیزیکی خود را افزایش دهد و از این طریق با محیط‌های اثباتی، فرهنگی، اجتماعی در عرض جامعه آشنا شوند. این خود احتمال تعریض افق هنجاری و بسط عام‌گرایی را افزایش می‌دهد.

راهکارها و پیشنهادات

بنابراین در این پژوهش آنچه که می‌تواند وفاق اجتماعی در بوشهر را قوت و غنا بخشد از این قرار است:

۱- عدم یکپارچگی آموزشی و پایین بودن سطح آن در جامعه تحقق وحدت نمادی را دشوار می‌سازد. بنابراین، افزایش میزان تحصیلات، به واسطه آن‌که افق دید افراد را توسعه می‌بخشد، می‌تواند وفاق اجتماعی را تقویت کند. قدر مسلم، گسترش محیط‌های آموزشی (همچون دانشگاه آزاد، پیام‌نور و فنی حرفه‌ای ...) نقش به‌سزایی در ظهور و قوت وفاق اجتماعی در جامعه دارد. در منطقه بوشهر ایجاد دانشگاه‌های بین‌المللی در حوزه صنعت نفت و گاز و پتروشیمی می‌تواند مبشر توسعه فرهنگی و اجتماعی شود.

۲- توجه بیشتر دولت به مناطق محروم و به خصوص مرزی و استراتژیک، افزایش و ارتقای سطح رفاه گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر و کم درآمد، می‌تواند وفاق اجتماعی بیشتری را به ارمغان بیاورد که نهایتاً امنیت اجتماعی و سیاسی را نیز به دنبال دارد.

۳- تقویت و حمایت از نهادهای مدنی که نقش به‌سزایی در ایجاد وفاق دارد، چرا که این نهادها زمینه مناسبی برای هرگونه تعامل سازنده است. مشارکت مؤثر و داوطلبانه در نهادهای مدنی به فرد اجازه می‌دهد که تعهدات خود را در ورای خانواده

تعمیم دهد و با اعیان فرهنگی و اجتماعی در عرض جامعه به صورتی بیشتر عام‌گرایانه برخورد نماید. عضویت در نهادهای مدنی مشارکت‌های ذهنی و اشتغال ذهنی فرد را در امور اجتماعی افزایش می‌دهد و به او اجازه می‌دهد تا نقش شهروند مسئول را به صورت منطقی و آزادانه در چهارچوب نمادی جامعه ایفا نماید (کوثری، ۱۳۸۵: ۸۵). هم‌چنین فرد در چنین نهادهایی می‌آموزد که چگونه با برخورد با تفاوت‌ها و رأی اکثریت حلم و بردباری خود را افزایش دهد و در مورد مخالفت و اختلاف‌نظر شیوه مجاب‌سازی را در پیش گیرد.

۴- میزان مسافرت چه به داخل و چه خارج در ایجاد وفاق مؤثر است. لذا می‌بایست تمهیداتی فراهم کرد که سازوکار مسافرت چندان توأم با مشکل و مسأله نباشد. اگر امکانات سیاحتی به‌عنوان بخشی از برنامه‌های نظام آموزش رسمی برای مقاطع مختلف تحصیلی فراهم گردد به صورتی که دانش‌آموزان یا دانشجویان بتوانند به‌صورت دسته جمعی به اقصی نقاط کشور سفر کنند و از نزدیک با آداب و رسوم، هنر و سبک زندگی اقوام مختلف جامعه آشنا شوند در این صورت از خود محوری، قوم‌مداری و خاص‌گرایی آنها کاسته می‌شود و در عوض می‌آموزند و به این باور می‌رسند که دیگران را در هر نقطه‌ای از جامعه به اصطلاح به یک چشم نگاه کنند.

۵- امروزه رسانه‌های ارتباط جمعی نقش حساس و سرنوشت‌سازی در تضعیف یا تقویت وفاق اجتماعی هر جامعه‌ای دارد. رسانه‌های گروهی می‌توانند با فرهنگ‌سازی و تقویت یا تضعیف برخی هنجارها، ارزش‌ها و باورها، نوعی همبستگی اجتماعی را برای رابطه مردم با مردم و پیوند مردم با حکومت و نظام سیاسی پدید آورند یا به وفاق آسیب برسانند. اثرگذاری وسایل ارتباط جمعی در زمینه همبستگی و وفاق اجتماعی، کوتاه‌مدت و بلندمدت است (بنت و دیگران، ۲۰۰۲: ۲۹).

گرچه تأثیرگذاری‌های این وسیله همانند خنجر دو لبه است و در کنار افزایش سطح مشارکت‌ها و تقویت همبستگی پیوندهای اجتماعی می‌تواند تأثیرات منفی همچون تضعیف پیوندهای سنتی و ایجاد اختلاف و اختلال در وحدت ملی داشته باشد؛ شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی استانی می‌تواند سیاست‌هایی در پیش گیرند که مانع از فرهنگ خاص‌گرایی و در عوض ترویج فرهنگ عام‌گرایی شود.

منابع

- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۵)؛ «وفاق اجتماعی از چند منظر»، *فصلنامه فرهنگ عمومی*، ش ۲۵، صص ۱۴-۳۱.
- افروغ، عماد (۱۳۸۵)؛ «خرده فرهنگ‌ها و مشارکت اجتماعی، وفاق اجتماعی و فرهنگ عمومی»، *فصلنامه اقتصادی کشاورزی و توسعه*، س ۹، ش ۳۶، صص ۱۲-۳۲.
- بیات، فریبرز (۱۳۷۳)؛ *رابطه عام‌گرایی با اخلاق*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم انسانی و روان‌شناسی.
- پیوزی، مایکل (۱۳۷۹)؛ *بورگن هابرماس*، ترجمه احمد تدین، تهران: هرمس، چ ۶.
- چلپی، مسعود (۱۳۷۳)؛ «وفاق اجتماعی»، *نامه علوم اجتماعی*، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی، س ۹، ش ۳، صص ۱۵-۳۴.
- ----- (۱۳۷۵)؛ *جامعه‌شناسی نظم*، تهران: نی، چ ۴.
- ----- (۱۳۷۶)؛ «تعهد کار»، *نامه پژوهش*، س ۴، ش ۵، صص ۱۰-۳۸.
- ----- (۱۳۷۶)؛ *بررسی نظام شخصیت در ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، مرکز پژوهش‌های بنیادی، چاپ اول.
- حسین‌زاده، فهیمه (۱۳۷۳)؛ *الگوهای فرهنگی حاکم بر نظم و وفاق به‌عنوان پیش شرط توسعه در جاجرم و بجنورد*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.
- روانبخش، محمدحسین (۱۳۸۶)؛ «بررسی تطبیقی میزان انسجام اجتماعی اقشار اجتماعی شمال و جنوب شهر تبریز»، *مجله سخن*، س ۸، ش ۱۵، صص ۶۵-۸۱.
- شایان‌مهر، علیرضا (۱۳۷۷)؛ *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، تهران: آگه.
- صیدایی، علی (۱۳۸۰)؛ «نقش ساختار قومی استان چهارمحال و بختیاری و اثر آن بر وفاق اجتماعی»، *مرکز پژوهش‌های بنیادی*، س ۳، ش ۲، صص ۱۹-۴۱.
- عرب، عباسعلی (۱۳۸۵)؛ *نقش وسایل ارتباط جمعی در انسجام و وفاق اجتماعی اقوام*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- عظیمی، مژگان (۱۳۷۵)؛ *عوامل مؤثر بر عام‌گرایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده علوم انسانی و روان‌شناسی.
- فروند، ژولین (۱۳۷۲)؛ *جامعه‌شناسی ماکس وبر*، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: راین، چ ۲.
- کوثری، مسعود (۱۳۸۵)؛ *بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان استان خراسان در فعالیت‌های عمرانی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- لسنکی، گره‌ارو (۱۳۷۵)؛ *سیر جوامع بشری*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: آموزشی انقلاب اسلامی، چ ۳.
- مجموعه مقالات (دولت، همگرایی و مردم) (۱۳۸۱)؛ ج ۱، تهران: آن، چ ۳، صص ۱۹۲-۲۱۵.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۸۴)؛ «تحلیل مشارکت در تهران»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، س ۵، ش ۱۹، صص ۸-۲۹.
- نیک‌پی، مسعود (۱۳۸۲)؛ *جامعه‌شناسی معرفت*، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.
- هاشمی، مژگان (۱۳۸۵)؛ «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی و سوی‌گیری عام‌گرایانه در تعاملات اجتماعی»، *فرهنگ عمومی*، شورای انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی، س ۷، ش ۱۸، صص ۱۰-۳۱.
- Bennett, Richard & Ralph Blaney (2002); "Social Consensus, Moral Intensity", *Journal of Economic Psychology*.
- Paul B.Horton (1998); *Sociology*, Mac Graw Hill.